

فهرست

۱۱	نت زینت
۱۵	پرلود: آغاز
۲۳	میزان اول: گروو
۵۰	میزان دوم: نت
۶۸	میزان سوم: آرتیکولاسیون / کشش و دوام نت
۹۶	میزان چهارم: تکنیک
۱۲۱	میزان پنجم: هیجان / احساسات
۱۴۳	میزان ششم: دینامیک
۱۷۵	میزان هفتم: ریتم / تمپو
۱۹۲	میزان هشتم: تن
۲۱۳	میزان نهم: عبارت بندی
۲۳۲	میزان دهم: فاصله / سکوت
۲۷۷	میزان یازدهم: گوش کردن
۲۹۱	میزان آخر: خواب و خیال؟
۳۰۵	کودا: بازگشت به آغاز

تمجید از معجزه موسیقی

«ویکتور ووتن اقداماتی در زمینه‌ی گیتار باس انجام داده که تا به حال به ذهن کسی خطور نکرده است. ما باسیست‌ها تشنه‌ی درک آنچه به او الهام می‌شود هستیم. در این کتاب نیز مثل موسیقی‌اش ما را شگفت زده و درکی ژرف بیش از آنچه انتظار داشتیم نصیبمان می‌کند. مسیر زندگی‌اش تنها نواختن باس نیست، بلکه جستجویی است پر رمز و راز برای درک هر چه بیشتر حقیقت وجودی موسیقی.»

تونی لوین^۱، یکی از بهترین نوازنده‌های گیتار باس در جهان، عضو گروه پیتر گابریل

«ویکتور ووتن خواننده را به سرزمین موسیقایی خود برده و با کمک نیروهای ماورایی و آن نثر دلنشین و جذاب رمز و رازهای موسیقی را برایش آشکار می‌کند.»

کریس جیسی^۲، سردبیر ارشد مجله‌ی Bass Player

«یک فصل بخوانید تا سبک نوازندگی‌تان تغییر کند. کتاب را بخوانید و ببینید که زندگی‌تان تغییر می‌یابد. این کتاب کوچک یاریتان می‌کند که موزیسین و انسان بهتری شوید. آراستن کتاب با استعاره‌های متعدد و مقایسه‌های دور از ذهن باعث کسب چنان معرفتی در خواننده می‌شود که بسیاری از موزیسین‌ها یک عمر به دنبال آن هستند.»

تونی راجرز^۳، استاد گیتار

1 - Tony Levin, Peter Gabriel Band

2 - Chris Jisi

3 - Tony Rogers

تمجید از معجزهٔ موسیقی ۷

«معجزه‌ی موسیقی شاهکاری است که توسط موسیقیدانی برجسته نوشته شده است. و صادقانه بگویم به قدری برانگیزاننده، روشنگر و جذاب است که نه تنها نمی‌توان از خواندنش دست کشید بلکه اشتیاقی برای دوباره و دوباره خواندن آن نیز وجود دارد. به عقیده‌ی من این کتاب یکی از بهترین کتاب‌های آموزشی هزاره‌ی جدید است. بهترین کتابی است که تا به حال خوانده‌ام.»

باب فرانسسینی^۱، ساکسُفونیسْت، آهنگساز و تنظیم کننده

یادداشت مترجمان

در زمینه‌ی موسیقی و تئوری موسیقی کتاب‌های زیادی منتشر شده است. در کتاب حاضر آقای ووتن سعی کرده اصول و تئوری موسیقی را با زبانی ساده در خلال اتفاقاتی جالب که برای شخصیت اصلی کتاب می‌افتد بیان کند و به خواننده بیاموزد. اما مقوله‌ی اصلی کتاب پرداختن به روح موسیقی و آموختن درس‌هایی برای درست زیستن، در کنار هم بودن و شادکامی و سعادت است. تجلی حس زیبای موسیقی در وجود انسان، فعالیتی است که برای رسیدن به آن باید مسیر معنوی زندگی را پیدا کرد و در این راه به تعالی روح و روان رسید. «معجزه‌ی موسیقی» جستجویی معنوی جهت تکامل و تعالی از طریق دنیای موسیقی است. این کتاب هم درس موسیقی است و هم درس زندگی. با بیانی متفاوت، شیرین و ساده و مطالب و راه کارهای عملی.

لازم به ذکر است با توجه به این موضوع که مکالمات بین شخصیت‌های کتاب در متن اصلی محاوره‌ای و در بعضی بخش‌ها کاملاً غیر متعارف است، سعی شده جهت وفاداری به متن و بهتر منتقل کردن جوّ کتاب، گفت و گوها به صورت محاوره به فارسی برگردانده شوند.

در جریان ترجمه‌ی این کتاب از یاری و تشویق عزیزان زیادی برخوردار بودیم که شایسته است در اینجا از ایشان قدردانی کنیم. از خانواده‌های گرمی و عزیزمان کمال تشکر را داریم که مشوق و یاورمان بودند و همچنین تشکر ویژه‌ای از استاد ارجمند جناب آقای محمد خسروی دانش داریم که با شکیبایی، دقت و حمایت دلسوزانه و بی دریغشان در ترجمه‌ی هرچه بهتر این کتاب چه به لحاظ تخصصی و چه از جنبه‌ی مباحث کلی ترجمه‌ی کتاب از ابتدا تا به آخر ما را از نظرات، راهنمایی‌ها و کمک‌های خود بهره‌مند ساختند. در پایان امیدواریم کتاب حاضر مورد توجه همه‌ی عزیزان مخاطب چه موسیقیدان و چه اهل و دوستدار

یادداشت مترجمان ۹

موسیقی قرار گیرد و بتواند نقش بسزایی در آموزش مباحث مربوطه‌ی مطرح شده ایفا کند و برای تشنگان یادگیری و پیشرفت به منزله‌ی چشمه‌ای باشد که از آن سیراب شوند.

سحر نخعی - سیامک شهابی

بهار ۹۱

درباره‌ی نویسنده

ویکتور لمونته ووتن^۱ برنده‌ی چهار جایزه‌ی گرمی^۲ و دو جایزه‌ی موسیقی ناشویل^۳ به عنوان باسیست نمونه است و تنها کسی است که سه بار از سوی مجله‌ی Bass Player به عنوان بهترین نوازنده‌ی گیتار باس انتخاب شده است. در شرایط فعلی او همچنان به ضبط آلبوم و برگزاری تور کنسرت موسیقی به همراه گروه خود مشغول است و همچنین عضو اصلی هیئت جوایز گرمی، بلا فلک^۴ و فلکتونز^۵ می‌باشد. وی به همراه همسر و چهار فرزندش در یک کلبه‌ی چوبی در نزدیکی شهر ناشویل پایتخت ایالت تنسی^۶ آمریکا زندگی می‌کند.

۱- Victor Lemonte Wooten

۲- Grammy Awards

۳- Nashville Music Awards

۴- Bela Fleck

۵- Flecktones

۶- Tennessee

نُت زینت

من ایمان دارم این خود موسیقی بوده که باعث شده شما اکنون این کتاب را به دست بگیرید. منظور از «خود موسیقی» چیست؟
من هم یکبار این سوال را از خودم پرسیدم.

از زمانی که دو سالم بود گیتار باس می‌زنم اما در واقع از قبل از آن، از طریق شنیدن، موسیقی کار می‌کردم. جوان‌ترین پنج برادرِ اهل موسیقی بودن در حقیقت ورود مرا به دنیایی بی‌نظیر خوشامد می‌گفت دنیایی که دیگران به ندرت با آن مواجه می‌شوند.

این دنیا، دنیای اسرارآمیز موسیقی بود، دنیایی که همه مجاز به دیدار از آن هستند اما کمتر کسی قادر به ماندن در آن است.

خواه شما سازی بزیند یا نه، دنیای موسیقی منتظران می‌ماند. این که چطور وارد آن شوید دیگر با خودتان است. هیچ دستورا عملی در کار نیست. مادرم وقتی بچه بودم همیشه غیر مستقیم به اینها اشاره می‌کرد. او به من و برادرانم می‌گفت: «شما تا به الان موفق بودین، دیگرانند که هنوز این واقعیت رو نمی‌دونن.»

حالا من گفته‌ی او را به زبان موسیقی تکرار می‌کنم: «شما تا به الان آدمی موسیقایی بودین، بدون اینکه این رو بدونین.»

وقتی که بچه‌تر بودم برادرانم مثل والدین دوم من بودند، راهنمایانم و معلمانم. در واقع هنوز هم با من همانطور هستند. اما حالا که بزرگ‌تر شده‌ام به ارزش آنچه به من نیاموختند پی می‌برم. همچنین وقتی که سوالی می‌پرسیدم دلایل آنها را برای پاسخ «هیچی» گاه بی‌گاهشان درک می‌کنم.

تحت راهنمایی آنها من اجازه داشتم و حتی گاهی اوقات مجبور می‌شدم خودم به مسائل مختلف پی ببرم. بنابراین، در سنی کم معلم خودم شدم.

در این چهل سال و اندی که موسیقی کار می‌کنم تنها به معدودی از تعاریف خودم از موسیقی رسیده‌ام. این که به راستی موسیقی چیست؟ و در واقع چیست؟

این ایده‌ها و نقطه نظراتم از موسیقی را در ویدیوها، جلسات آموزشی و کمپ‌های موسیقی‌ام مطرح کرده‌ام. در مورد بعضی از آنها شجاعت به خرج داده و به صراحت سخن گفته‌ام. دوستانم همواره اصرار دارند که این ایده‌های نو را به مردم بشناسانم؛ مردمی که آمادگی لازم برای شنیدنش را دارند. دوستانم مصرانه از من خواستند در این باره کتابی بنویسم. خوب می‌دانستم کتاب آموزشی چیزی ست که آنها می‌خواهند و این دقیقاً چیزی ست که من نمی‌خواستم بنویسم.

کتاب‌های آموزشی معمولاً خشک هستند و فقط دیدگاه تحکم آمیز نویسنده را نشان می‌دهند. آنها خواننده را در مسیری محدود به مقصدی که فقط مورد نظر خود نویسنده است سوق می‌دهند. این راهی نیست که من از خوانندگانم بخواهم قدم در آن بگذارند.

همچنین، من می‌خواستم که دانستنی‌هایم را از خودم جدا کنم، به عبارت دیگر مایل بودم اگر مطالبم موجب برانگیختن سوالی باشد خواننده مطالب را زیر سوال ببرد نه مرا.

منظورم این است که نمی‌خواستم مجبور باشم از هر آنچه می‌نویسم تعریفی ارائه دهم. مثلاً چطور می‌توانم برای کسی توضیح دهم که موسیقی موجودیست واقعی؟